



سیره و سنت پیامبر اکرم(ص) نیز بخشی از تفسیر اثری قرآن است

استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم تأکید کرد: با تعمیم تعریف تفسیر اثری، می‌توانیم مجموعه سیره و سنت پیامبر(ص) و شرایط نزول قرآن را در کنار بیانات ایشان به عنوان تفسیر قرآن به حساب آوریم.

استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم تأکید کرد: با تعمیم تعریف تفسیر اثری، می‌توانیم مجموعه سیره و سنت پیامبر(ص) و شرایط نزول قرآن را در کنار بیانات ایشان به عنوان تفسیر قرآن به حساب آوریم.

محمدکاظم شاکر، استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این که جایگاه تفسیر روایی به بیان خود قرآن کریم برمی‌گردد، اظهار کرد: تقریباً همه مفسران در مورد آیه 171؛ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...؛ قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است، توضیح دهی؛ (نحل / 44). اتفاق نظر دارند که این آیه بیانگر این مطلب است که پیامبر گرامی اسلام(ص) خود، مفسر قرآن و مبین آن هستند.

شاکر با اشاره به رسالت پیامبر(ص) در بیان و تبیین قرآن گفت: پیامبر(ص) تنها موظف به تلاوت قرآن و آوردن متن آن که اصطلاحاً به آن بیان قرآن گفته می‌شود، نیست، بلکه علاوه بر آوردن متن، ایشان موظف به تبیین قرآن نیز هستند و این امر نشانگر این است که قرآن بدون روایات تفسیری کامل نیست.

نویسنده کتاب 171؛ قانون تفسیر؛ افزود: نقش تفسیر روایی و احادیث تفسیری تکمیل مباحث قرآن است که با تفصیل موارد مجمل، تقیید یا تخصیص مطلقات، تبیین مقاصد و دلایل، توضیح برخی موارد مبهم و ... به عنوان یکی از اجزای رسالت پیامبر گرامی اسلام(ص) و ائمه طاهرين(ع)، از سوی ایشان به انجام رسیده است. بنابراین به عقیده ما روایات و تفاسیر ارائه شده از سوی ایشان باید به جهت تکمیل قرآن اخذ شوند و نپذیرفتن آن‌ها در کنار قرآن موجب نقص در دین است.

شاکر با ارائه مثالی گفت: در رابطه با آیات مربوط به حکم سرقت شرایطی برای اجرای حد سرقت بیان شده است که این شرایط و قیده‌ها در خود آیات قرآن به صراحت نیامده است، بلکه برگرفته از روایات تفسیری هستند که از پیامبر اکرم(ص) یا ائمه اطهار(ع) نقل شده‌اند که البته آن چه از ائمه(ع) نقل شده، به بیان خود ایشان، در نهایت منقول از پیامبر گرامی اسلام(ص) است.

پیامبر(ص) فقط آورنده قرآن نیست و تنها چیزی که از جانب خداوند آمده است قرآن نیست بلکه خود پیامبر اکرم(ص) نیز از جانب خدا آمده است. همچنین ایشان نه فقط قرآن را از جانب خدا با خود آورده بلکه به تعبیر خود ایشان مثل آن را نیز به همراه آن آورده است.

این استاد دانشگاه قم مفهوم بودن معنای قرآن را مبحثی متفاوت از عدم استقلال قرآن دانست و خاطرنشان کرد: مقصود از استقلال قرآن این است که تنها آن چه را که قرآن گفته است، داخل در اسلام بدانیم و به نوعی برای قرآن استقلال قائل شده و برای آنچه خارج از قرآن بیان شده، حجیتی قائل نشویم. این موضعی نادرست است، چرا که در بیان خود شریعت و براساس سیره پیامبر(ص) چنین استقلالی برای قرآن فرض نشده است.

شاکر در توضیح این مطلب گفت: ما پیغمبر(ص) را رسول خدا می‌دانیم و بنا بر بیان قرآن که می‌فرماید: 171؛ وَمَا يَنْتَظِرُ عَنْ هَوَىٰ إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ؛ او از سر هوس سخن نمی‌گوید. این سخن به جز وحیی که وحی می‌شود، نیست؛ (نجم / 4و3) معتقدیم که آن چه ایشان فرموده، وحی الهی است. همچنین براساس روایات اهل سنت و کتب حدیثی شیعه، پیامبر اکرم(ص) در حدیث معروفی فرمودند: 171؛ إني أوتيت الكتاب و مثله معه؛ قرآن به من داده شده و مثل قرآن نیز با آن هست؛.

نویسنده مقاله 171؛ مدل‌های چند معنایی در تفسیر قرآن و کتاب مقدس؛ ادامه داد: در واقع پیامبر(ص) فقط آورنده قرآن نیستند و تنها چیزی که از جانب خداوند آمده، قرآن نیست، بلکه خود پیامبر اکرم(ص) نیز از جانب خدا آمده است. همچنین ایشان نه فقط قرآن را از جانب خدا با خود آورده‌اند، بلکه به تعبیر خود ایشان مثل آن را نیز به همراه آن آورده است. این 171؛ مثل قرآن؛ همان سنت است که در تمثیل می‌توان آن را همراه با قرآن، همچون دو لنگه یک درب تصور کرد که در کنار هم مکمل هم و تشکیل‌دهنده دین هستند.

وی با بیان این که مشابه این امر در دیگر ادیان ابراهیمی نیز وجود دارد، اضافه کرد: برای مثال در شریعت حضرت موسی(ع) اعتقاد و التزام به تورات شفاهی در کنار اعتقاد به تورات مکتوب، جزء مسلمات آیین یهود است که در قالب آن بسیاری از احکام شرعی که

کلیات آن‌ها در تورات مورد اشاره قرار گرفته، توضیح و تشریح شده و شرایط، قیود و استثنائات بیان شده توسط حضرت موسی(ع) گردآورده شده است که البته در سنت یهودی برخی از مباحث به درستی حفظ شده و ممکن است این سنت بخشی را نیز به درستی حفظ نکرده باشد.

این محقق و پژوهشگر با بیان این که علاوه بر روایات، عمل و سنت پیامبر اکرم(ص) نیز مفسر قرآنند، اظهار کرد: ضروری نیست که برخی از تخصیص‌ها و تقییدها در بیان پیامبر گرامی اسلام(ص) آمده باشد، چرا که مخاطبان ایشان به واسطه حضور پیامبر(ص) و هم‌عصری درک و دریافتی حضوری از سنت ایشان داشته‌اند. بنابراین سنت ایشان و سیره عملی‌شان که به نوعی در سنت اسلامی جذب و دریافت شده و حتی خود در نظر گرفتن اوضاع و شرایط نزول قرآن می‌تواند مبین آیات قرآن باشد و معنا و مقصود و حدود آیات را برای ما مشخص کند.

وی افزود: بنابراین و با توجه به این که نمی‌توانیم قرآن را جدای از اوضاع و شرایط نزول آن تفسیر کنیم، با تعمیم تعریف تفسیر اثری، می‌توانیم مجموعه سیره و سنت پیامبر(ص)، شرایط نزول قرآن، لغات و زبان قرآن در زمانی که قرآن نازل شده است را در کنار بیانات پیامبر(ص) به عنوان مفسر قرآن به حساب آوریم.

شاکر عطف به زمینه‌ها را در مباحث معرفتی قرآن نیز جاری دانست و خاطرنشان کرد: در این مباحث باید متوجه بود که مخاطب سخن کیست و اشاره مباحث به چه دیدگاه یا مکتب معرفتی است. برای مثال ممکن است آیاتی از قرآن به اندیشه‌ای خاص از یهودیان و یا مسیحیان اشاره داشته باشد که در این صورت به یک شکل معنا می‌شود و در صورتی که آن را در خلأ و بدون ارجاع به فلان اندیشه مسیحیت و یا یهودیت فرض کنیم و در نظر آوریم، ممکن است اساساً معنایی دیگر از آن آیات دریافت کنیم.